

یکی از رفقای من یخچال خریده بود. آن را تحویل اش دادند و آورد توی منزل و روشن اش کرد. مدتی صدای یخ بستن از خودش در آورد ولی به قدرت خدا یک ذره هم سرما پس نداد. رفتند یک تعمیر کار آوردند. یارو یک نگاه سرسری به آن کرد و دست هایش را به حالتی که عدم امکان کمک را نشان می داد برای آن ها تکان داد....



گیاه خواری برای کاهش وزن مناسب است

♦ گروه طنز ساحل //

کی گفته برگ و سبزی یا که ساقه رژیمش واسه ما داره افاقه ؟
اگه کم می کنن وزنو گیاهان چرا پس گاو ما این قدر چاقه ؟!

مجید رحمانی صانع

قسمت گمشده

♦ گروه طنز ساحل // نویسنده: نائوم لایکوفسکی

طنزنویس روس / ترجمه ی: منوچهر محجوبی

یکی از رفقای من یخچال خریده بود. آن را تحویل اش دادند و آورد توی منزل و روشن اش کرد. مدتی صدای یخ بستن از خودش در آورد ولی به قدرت خدا یک ذره هم سرما پس نداد. رفتند یک تعمیر کار آوردند. یارو یک نگاه سر سری به آن کرد و دست هایش را به حالتی که عدم امکان کمک را نشان می داد برای آن ها تکان داد:
- یه تیکه ی کوچیکش نیس. فکر می کنم تو کار خونه یادشون رفته بذارن. یه چیز جزئییه. ولی بدون اون، یخچالتون خوب کار نمی کنه . عوض سرما، گرما تولید می کنه.

- رفیقم گفت:

- چاره ای نیست، تیکه ی کسریشو بذار.
- من از خدامه، اما میدونین کارخونه اون تیکه را به ما نمی ده. سعی کنین خودتون بگیرین...

- یکی از رفقای دیگرم خانه اش را عوض کرده بود. خانه ی قشنگی نصیب اش شد. کف و دیوار و سقفش قشنگ بود، حرارت مرکزی داشت. آخرین مدل بود. طبقه ی اول

بود، اما عیبش این بود که دستگاه حرارت مرکزیش، تولید گرما نمی کرد.
رفیقم یک تعمیر کار آورد . یارو نگاهی به آن کرد و دست هایش را تکان داد:
- سازنده اش یه تیکه ی کوچیکشو یادش رفته کار بذاره. چیز کوچیکیه، اصلاً قابل حرف زدن نیس ... اما خب، بدون اون گرم نمی کنه . سرد می کنه .

رفیقم گفت:

- خیلی خوب، اون تیکه را واسم کار بذار .
- خیلی دلم می خواد این کارو بکنم اما ندارم . هیشکی دیگه هم نداره ، خودتون باید از کارخونه بگیرین...

از من خواسته بودند یک داستان فکاهی بنویسم . نوشتم و بردم تحویل دادم . وقتی که آن را خواندند گفتند:

- داستان بدی نیست، اما خنده اش کو ؟

گفتم:

- آه متأسفم، یه تیکه شو یادم رفته بنویسم. بدون اون هیچ لطفی نداره. بکیو صدا بزنین شاید اون تیکه ی گمشده شو داشته باشه، اگه نداشت خودتون یه فکری واسه ش بکنین!

تابلوهای کوچک بدون قاب اندر باب جنگ و صلح

♦ گروه طنز ساحل // نویسنده: رحیم صارمی

* آذیر قرمز به صدا در می آید، گوینده رادیو از مردم می خواهد که فوراً به پناهگاه ها بروند و و مردم با شتاب خود را به پشت بام ها می رسانند تا هواپیماهای دشمن را تماشا کنند!

* برای آن که جلوی پیشروی تانک های دشمن را بگیرند، دستور داده شد که در مسیر آنها گلهای «میخک» بکارند.

* آنقدر محافظه کار بود که حتی در پشت جبهه، دنبال پشت جبهه می گشت.

* آن قدر از سنگر بیرون نیامد تا اینکه پاسداران صلح سازمان ملل، او را به زور از آنجا خارج کردند.

* اولین کشوری که برقراری صلح را به دو کشور متخاصم تبریک گفت، کشوری بود که باعث جنگ شده بود.

* از مردمی که برای شنا به سواحل دریا رفته بودند خواسته شد که برای مصون ماندن از بمباران های هوایی دشمن، حتی المقدور، زیر آبی شنا کنند.

* وقتی جنگ در جبهه شدید می شود، «صلح» در پشت جبهه، بازار سیاه پیدا می کند.

* در میان اسرای جنگی، فردی دیده می شد که به بقه پیراهنش یک گل صحرایی زده بود و مرتباً از خبرنگارها می پرسید: ساعت چند است؟!

ادامه دارد...



عکس روز | کارگزاری

یکی از محلات قدیمی بندرعباس، کارگزاری است، در این محله، ابزارآلات، پرنده، لباس نظامی و ... فروخته می شود. | ۱۳۹۹

| عکس: صبح ساحل - آرشیو، سیدعلی هاشمی |



«قهوه بساز، نه جنگ» اثر: اشتفن کرفت

آگهی ارشادی! به خانه ات برگرد

♦ گروه طنز ساحل //

شوهر دلبندم!

چهار سال آگاز است که برای گرفتن اجازه ی چاپ کتاب، خانه و زندگی را رها کرده و پله های ساختمان وزارت ارشاد را بالا و پایین می کنی. فرزندان کم کم دارند قیافه ات را از یاد می برند. از خیر چاپ کتاب بگذرو به آشیانه ات بازگرد!

«همسر چشم به راهت»

در چه سال هایی به جام جهانی رفتیم؟!

مبلغ جام جهانی



سال ۱۹۷۸ آرژانتین



سال ۱۹۹۸ فرانسه



سال ۲۰۰۶ آلمان



سال ۲۰۱۴ برزیل



سال ۲۰۱۸ روسیه



سال ۲۰۲۲ قطر